



تأثیر نگرش فرزند نسبت به پدر و مادر بر تفکر انتقادی با نقش میانجی‌گری بنیان‌های اخلاقی

دانشجوی دکترای روانشناسی عمومی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران
دانشیار علوم اعصاب گروه نورولوژی، دانشکده پزشکی مرکز تحقیقات علوم اعصاب، دانشگاه علوم پزشکی قم، ایران
استادیار گروه روان‌شناسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

فرانک نجاری ^{id}

صادق یوسفی* ^{id}

هومن نامور ^{id}

syoosefee@muq.ac.ir

ایمیل نویسنده مسئول:

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۱

دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۷

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده‌درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۷۱۷-۲۴۳۰

<http://Aftj.ir>

دوره ۴ | شماره ۳ | پیاپی ۱۷ | ۴۹۵-۵۰۷
(مجموعه مقالات حوزه خانواده و فرزند)

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:
درون متن:

(نجاری و همکاران، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع:

نجاری، فرانک، یوسفی، صادق، و نامور، هومن. (۱۴۰۲). تأثیر نگرش فرزند نسبت به پدر و مادر بر تفکر انتقادی با نقش میانجی‌گری بنیان‌های اخلاقی. *خانواده‌درمانی کاربردی*. ۴(۳)، ۴۹۵-۵۰۷.

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر نگرش فرزند نسبت به پدر و مادر بر تفکر انتقادی با نقش میانجی بنیان‌های اخلاقی انجام شد. روش پژوهش: در قالب یک طرح همبستگی از نوع پیش‌بینی، ۴۰۴ نفر (دختر و پسر) از جوانان در شرف ازدواج به روش نمونه‌گیری در دسترس و با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه کلاین (فرمول ۱ به ۲۰) انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه‌های استاندارد نگرش فرزند نسبت به نسبت به پدر (CAF) و مادر (CAM)، تفکر انتقادی (CTDI)، بنیان‌های اخلاقی (MFQ-30)، بود. به منظور تحلیل داده از نرم‌افزارهای SPSS19 و Smart-PLS استفاده شد. یافته‌ها: نتایج نشان داد که ۳۰٫۴ درصد از تغییرات تفکر انتقادی متغیرهای نگرش فرزند نسبت به مادر و نگرش فرزند نسبت به پدر است ($P < ۰/۰۰۱$). همچنین نتایج مرتبط با نقش میانجی‌گری بنیان‌های اخلاقی، نشان داد که نگرش فرزند نسبت به پدر و مادر از طریق بنیان‌های اخلاقی بر تفکر انتقادی به ترتیب $-۰٫۰۰۵$ ($p = ۰٫۲۸۵$) و $-۰٫۰۰۳$ ($p = ۰٫۲۱۴$) اثر غیر مستقیم ندارد ($P > ۰/۰۵$). نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که نگرش فرزند نسبت به پدر و مادر بر تفکر انتقادی جوانان تأثیرگذار است. بنابراین توجه به این مکانیسم‌ها می‌تواند در تدوین مداخلات پیشگیرانه و درمانی کارآمد برای نوجوان در شرف ازدواج مفید باشد.

کلیدواژه‌ها: نگرش فرزند نسبت به پدر و مادر، تفکر انتقادی، بنیان‌های اخلاقی.

مقدمه

ازدواج هم به عنوان یک نیاز تکاملی که بقای گونه را تضمین می‌کند و هم به عنوان یک امر ارزشمند اجتماعی که پاداش دهنده است، تبدیل به یک مسئله اساسی در جوانان شده است. در این میان، توانایی افراد در اندیشیدن و کمک‌گیری از افکار و نظام شناختی خود، ابزار اساسی برای کنار آمدن با چالش‌های پیش رو است. یکی از این ظرفیت‌ها و توانمندی‌های شناختی، تفکر انتقادی است (کوترل، ۲۰۱۷). تفکر انتقادی به مثابه یک روش علمی موجه برای تصمیم‌گیری، تجزیه و تحلیل و حل مشکل به حساب می‌آید که می‌توان آن را به صورت یک فرآیند نظام‌مند و سازمان‌یافته برای توضیح مشکل، ارزیابی منابع و راه‌حل‌های گوناگون برای حل کردن مشکل تعریف کرد و آن را بکار برد (الپرآی، کاراکایا و ایلماز، ۲۰۱۵). این اعتقاد وجود دارد که تفکر انتقادی عاملی مهم در خودجهت‌دهی، خود تنظیمی، خود کنترلی و خود اصلاحگری می‌باشد (کیم و هوانگ، ۲۰۱۶). در همین رابطه نشان داده شده است نشان داده شده که توانایی تفکر انتقادی با احساس خودکارآمدی که بیانگر باور به موفقیت و توانمندی می‌باشد، رابطه دارد (گلودمنس، اسپالک و راینیرت، ۲۰۱۳). همچنین تفکر انتقادی متغیری مرتبط با سازگاری شناخته شده است (ازدن و امریس، ۲۰۱۷). در رابطه با متغیرهای تبیین کننده تفکر انتقادی نشان داده شده که متغیرهای مختلفی مانند اجتماعی، خانوادگی، روان شناختی و فرهنگی تا حدود زیادی بر تفکر انتقادی اثرگذار می‌باشند (پائول و الدر، ۲۰۱۹؛ پائول، ۲۰۱۸).

خانواده به عنوان منبع اصلی عاطفی و پرورش انسان، نقشی تعیین کننده در رشد و جهت‌یابی مسیر زندگی دارد (تسای و چن، ۲۰۱۸). گسترش بیشتر زمینه‌های بروز تعارض و نارضایتی در والدین منجر به رشد بدبینی نسبت به ازدواج در جوانان شده است. به عبارتی دیگر، تغییرات نگرشی فرزندان نسبت به والدین می‌تواند یک عامل توجیه کننده برای تفکرات مرتبط با ازدواج باشد (فام و همکاران، ۲۰۱۷؛ استالمن و اوهان، ۲۰۱۶). هر نگرشی می‌تواند به مثابه یک جهت‌گیری پایدار در نظر گرفته شود که شامل اجزاء شناختی، عاطفی و رفتاری باشد. عنصر شناختی شامل افکار و باورهای فرد نسبت به مسائل نگرشی مانند نگرش به ازدواج است که تعیین کننده چگونگی ارزیابی موقعیت است. جزء عاطفی بیانگر احساساتی است که با نگرش خاص همراه است و بعد رفتاری نیز بیانگر قصد و نیتی است که فرد از انجام رفتار خاصی دارد (کلانتری هرمزی و کانی سانانی، ۱۳۹۴). در همین رابطه پژوهش‌ها نشان داده که نگرش منفی نسبت به والدین با تفکرات منفی، احساسات منفی مانند انزجار و تنفر از خود و دیگران همراه است که می‌تواند توانمندی تفکری و رفتاری فرد را تحت تأثیر قرار دهد (داولویرا، موران و پدرسون، ۲۰۰۵؛ چیونس و همکاران، ۲۰۰۵). والدین نقش حیاتی را در زندگی فرزندان ایفا کرده و به عنوان اولین و مهمترین الگوی نقش عمل می‌کنند. فرزندان تمایل دارند از سنین خیلی پایین به رفتار والدینشان توجه کنند. رفتار والدین از عوامل موثر بر ازدواج جوانان به شمار می‌آید. در خانواده‌هایی که پدر و مادر تند خو و مستبد هستند، فرزند دختر ممکن است خود را با مادر تطبیق دهد، ولی به دلیل مشاهده رفتار پدر، تصویر نادرستی از مردان در ذهن پیدا می‌کند و به آسانی تن به ازدواج نمی‌دهد. فرزند پسر نیز ممکن است با مشاهده رفتار ناصحیح مادر، زنان و دختران را مانند او ببیند و در گزینش همسر برای خویش دچار وسواس شده و به آینده و تشکیل زندگی بدبین شود؛ حاصل این نوع نگرش‌ها می‌تواند عاملی برای

تاخیر در امر ازدواج باشد (استن، شروود و هاتچینسون، ۲۰۰۹). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نگرش فرزندان نسبت به والدین بر رشد هویتی، تفکر و جهان بینی فرزند و اقدامات او مانند تشکیل خانواده در آینده تأثیر دارد (بتول، اشرف و خان، ۲۰۱۹).

با این توصیف و با توجه به اینکه خانواده و اجتماع دو ساختار اساسی تعیین کننده باورها و ارزش‌های اخلاقی می‌باشند، بنابراین دور از ذهن نیست این تغییرات بر بنیان‌های اخلاقی جوانان در شرف ازدواج نیز اثرگذار باشد. بنیان‌های اخلاقی شامل طیف گسترده‌ای از احکام، ارزش‌ها و رفتارهای اخلاقی انسان را از نظر شهود و احساسات اخلاقی می‌باشد. بنیان‌های اخلاقی بیان دارد که قضاوت اخلاقی در درجه اول توسط حداقل پنج حوزه مشخص شهود انجام می‌شود، که با هم بنیان‌های اخلاقی را تشکیل می‌دهند و قبل از استدلال و تفکر به صورت ناخودآگاه توسط فرد مورد استفاده قرار می‌گیرند (سیمپسون، ۲۰۱۷). بنیان‌های اخلاقی یک فرد به نظر میرسد اثرپذیرترین جنبه شخصیتی فرد از اجتماع و خانواده می‌باشد. به عبارتی دیگر می‌توان گفت که خانواده و جامعه چه هشیارانه و چه ناهشیار تأثیر خود بر رفتار، تفکر و منش یک فرد را بر اساس همین بنیان‌های اخلاقی بر فرد می‌گذارد (استپانوا، ۲۰۱۵؛ لپسلی، ۲۰۱۹). بنیان‌های اخلاقی میانجی بین پیامدهای فکری، رفتاری، هیجانی و شناختی افراد و محیط اجتماعی و خانوادگی است. نظریه بنیان‌های اخلاقی پنج مبنای اخلاقی اساسی (مراقبت/آسیب، انصاف، وفاداری به گروه، احترام به مرجعیت و خلوص) را بیان می‌کند که تصمیمات فرد براساس اولویت دادن به این مبانی می‌باشد. تغییر در بنیاد اخلاقی شخص در طول زندگی یک فرد اتفاق می‌افتد (کلیفورد و همکاران، ۲۰۱۵). این تغییرات بیشتر در سنین کودکی رخ می‌دهد و در بزرگسالی بعد از شکل گیری عقاید مشخص تر می‌شود (هاید، ۲۰۰۸) و همان طور که اشاره شد، در طی فرآیند بلوغ و کسب تجربه، افراد در تصمیم گیری مهمترین مبانی اخلاقی را در اولویت قرار می‌دهند. با عنایت به تأثیر ازدواج در روند زندگی افراد، نگرش فرزند نسبت به پدر و مادر و با در نظر گرفتن متغیر میانجی بنیان‌های اخلاقی که می‌تواند نقش مفیدی در تفکر انتقادی جوانان و تا حدودی تعدیل آن ایفا نماید، این مطالعه انجام شد. این پژوهش در پی این بود که آیا نگرش جوانان در معرض ازدواج بر اساس نگرش فرزند نسبت به پدر و مادر با توجه به نقش میانجی بنیان‌های اخلاقی می‌تواند تفکر انتقادی جوانان را پیش‌بینی کند؟

روش پژوهش

روش اجرای این پژوهش، توصیفی (غیرآزمایشی) و طرح پژوهش، همبستگی از نوع معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این مطالعه جوانان در شرف ازدواج شهر تهران در بازه زمانی سال ۱۳۹۹ بودند. برای حجم نمونه، تعداد ۴۰۰ تن و براساس فرمول تعیین حجم نمونه کلاین (فرمول ۱ به ۲۰) انجام شده است. برای ورود به عنوان نمونه تحقیق، معیارهایی لحاظ شده بود که عبارتند از: ۱- رضایت از شرکت در پژوهش، ۲- دامنه سنی ۲۰ تا ۳۵ سال، ۳- عدم ابتلا به بیماری جسمی و روان شناختی به صورت خود گزارشی (طبق اظهار نظر شرکت کنندگان در پژوهش) ملاک‌های خروج از پژوهش هم شامل: ۱- عدم تکمیل مناسب پرسشنامه‌های پژوهش، ۲- انصراف فرد از ادامه همکاری، ۳- ابتلا به بیماری‌های جسمی و روانی.

ابزار پژوهش

۱. **مقیاس سنجش تفکر انتقادی (CTDI)**. این پرسشنامه یک ابزار خود گزارشی است که میزان تمایل به تفکر نقادانه را می‌سنجد. این پرسشنامه دارای ۳۳ عبارت و سه زیر مقیاس خلاقیت (۱۱ عبارت)، بالندگی (۹ عبارت) و تعهد (۱۳ عبارت) است. این مقیاس پس از آن که مور، رود و پنیفیلد (۲۰۰۳)، به نتایج متفاوت و مهمی درباره‌ی پرسشنامه‌ی گرایش به تفکر نقادانه کالیفرنیا دست یافتند، طراحی شد (ریکتس، ۲۰۰۳). ریکتس، سعی کرد یک مقیاس کوتاه‌تر، تأثیر گذارتر و پایدارتر تهیه کند. آزمودنی باید در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (از شدیداً مخالفم = ۱ تا شدیداً موافقم = ۵) میزان مخالفت یا موافقت خود با هریک از عبارات را مشخص کند. نمره کل گرایش به تفکر انتقادی از جمع نمره‌های سه زیر مقیاس به دست می‌آید که می‌توان بر اساس میانگین نمره کل، گرایش قوی، متوسط و ضعیف را تعیین کرد؛ به این صورت که نمره کل ۱۳۵/۳۱ به بالا گرایش قوی را توصیف می‌کند. نمره ۱۰۸/۹۱ تا ۱۳۵/۳۰ نشان دهنده گرایش متوسط و نمره ۱۰۸/۹۰ و کمتر نشان دهنده گرایش ضعیف به تفکر انتقادی است. ریکتس (۲۰۰۳)، به منظور هنجار یابی پرسشنامه‌ی گرایش به تفکر انتقادی آن را بر روی ۶۰ نفر از دانشجویان سال دوم رشته‌ی کشاورزی اجرا کرد. ضریب پایایی زیر مقیاس (خلاقیت = ۰/۷۵)، زیر مقیاس (بالندگی = ۰/۵۷) و زیر مقیاس (تعهد = ۰/۸۶) گزارش شد. در ایران، هاتفی، ارکان و حیدری (۱۳۹۵)، به منظور پایایی آزمون به روش باز آزمایی بر روی نمونه ۴۰ نفره از دانشجویان نتیجه گرفتند که میزان همبستگی عامل تعهد ۰/۶۸۲، خلاقیت ۰/۵۴۶ در سطح ۰/۰۱ معنادار است و عامل بالندگی میزان همبستگی ۰/۳۷۲ است که در سطح ۰/۰۵ معنادار است. از آنجایی که این مقیاس بر مبنای کار اصلی فاسیون (۱۹۹۰) تهیه شده، روایی سازه آن نیز تایید می‌شود (ریکتس، ۲۰۰۳). در ایران، هاتفی، ارکان و حیدری (۱۳۹۵)، در پژوهش خود نشان دادند که بیشترین ضریب روایی متعلق به عامل تعهد (۰/۸۱) و کمترین ضریب متعلق به عامل بالندگی (۰/۳۸) است و ضریب روایی دو عامل خلاقیت و تعهد کمتر از ۰/۶۰ نیست. ضریب همسانی درونی آلفای کرونباخ برای تفکر انتقادی ۰/۷۵ برآورد شد بنابراین پرسشنامه تفکر انتقادی دارای اعتبار بالایی است.

۲. **پرسشنامه بنیان‌های اخلاقی (MFQ-30)**. این پرسشنامه توسط هایت و گراهام (۲۰۰۷) به منظور ارزیابی و سنجش ابعاد پنج‌گانه‌ی اساسی و عملکردی اخلاقی ساخته شد. این مقیاس دارای ۳۰ گویه است که به صورت ۶ درجه لیکرت نمره گذاری می‌شود (صفر برای کاملاً مخالفم و ۵ برای کاملاً موافقم). زیر مقیاس‌های این پرسشنامه عبارت‌اند از: مراقبت/ آسیب؛ انصاف(عدالت)؛ وفاداری به گروه؛ احترام به مرجعیت؛ خلوص. در نسخه اصلی هایت و گراهام (۲۰۰۷) ۵ عامل به دست آمد که روایی مناسبی داشت و پایایی هر عامل به روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۶۹، انصاف ۰/۶۵، وفاداری ۰/۷۱، احترام ۰/۷۴ و خلوص ۰/۸۴. این پرسشنامه توسط سیفی قوزلو و همکاران (۱۳۹۵) به زبان فارسی ترجمه شد و مشخص گردید که نسخه فارسی از روایی و اعتبار مناسبی برخوردار است. آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۷۹ و برای ۵ عامل نیز بین ۰/۶۰ تا ۰/۷۹ به دست آمد (سیفی قوزلو و همکاران، ۱۳۹۵).

۳. **مقیاس‌های نگرش فرزند نسبت به پدر (CAF) و مادر (CAM)**. این پرسشنامه توسط والتردلیو، هودسن تهیه شده است. مقیاس‌های "نگرش فرزند نسبت به پدر" (CAF) و "مادر (CAM)،

ابزارهای ۲۵ سؤالی هستند که برای اندازه‌گیری دامنه، میزان یا شدت مشکل‌های فرزند با پدر و مادر خود تدوین شده است. این دو مقیاس دو نمره برش دارند. اول نمره ۳۰ (± 5)، نمره‌های کمتر از این نقطه‌ی برش نشانه‌ی فقدان مشکل مهم بالینی در این زمینه است. نمره‌های بالای ۳۰ به منزله‌ی وجود مشکلی است که از نظر بالینی معنادار تلقی می‌شود. نمره دوم برش ۷۰ است. نمره‌های بالای این نقطه تقریباً همیشه نشان می‌دهد که مراجع استرس شدیدی دارد و احتمال زیادی وجود دارد، مبنی بر اینکه احتمال کاربرد نوعی خشونت برای حل مشکل‌ها وجود دارد (هادسون، ۱۹۸۲). استفاده از این مقیاس‌ها برای کودکان زیر ۱۲ سال توصیه نمی‌شود. مقیاس "نگرش فرزند نسبت به پدر" دارای میانگین آلفای کرانباخ ۰/۹۵ و خطای استاندارد اندازه‌گیری ۴/۵۶ است که بسیار عالی است. "نگرش فرزند نسبت به مادر" دارای میانگین آلفای کرانباخ ۰/۹۴ و خطای استاندارد اندازه‌گیری آن ۴/۵۷ است، که بسیار عالی است. بنابراین؛ هر دو مقیاس از همسانی درونی عالی برخوردارند. در ایران، ثنایی (۱۳۸۷)؛ به نقل از ثناگویی زاده، (۱۳۹۵) ضریب آلفای کرانباخ این مقیاس را برای فرم "نگرش فرزند نسبت به پدر" ۰/۹۵ و برای فرم "نگرش فرزند نسبت به مادر" ۰/۹۴ گزارش کرد. مقیاس‌های "نگرش فرزند نسبت به پدر" و "نگرش فرزند نسبت به مادر" از روایی عالی برای گروه‌های شناخته شده برخوردارند. زیرا هر دو به طور معناداری کودکان مدعی مشکل‌های رابطه با والدین را از گروه فاقد آن متمایز می‌کنند. این مقیاس‌ها از روایی پیش‌بین خوبی برخوردارند، زیرا پاسخ‌های فرزندان درباره‌ی مشکل‌هایشان با والدین خود را به طور معناداری پیش‌بینی می‌کنند (هادسون، ۱۹۸۲). این پرسشنامه از گروه‌های شناخته شده و روایی پیش بین خوب بهره مند است. هر چه نمره‌ها بالاتر باشد نشان می‌دهد که نگرش نوجوانان نسبت به والدین خود مطلوب نیست (ثنایی، ۱۳۸۷)؛ به نقل از ثناگویی زاده، (۱۳۹۵).

شیوه اجرا. روایی و پایایی پرسشنامه‌ها با توجه به استاندارد بودن آنها حاصل بود ولی با این حال در مورد روایی از تعدادی از خبرگان در این زمینه نظر خواهی شد که صحت و روایی پرسشنامه‌ها را تأیید نمودند. برای بررسی پایایی پرسشنامه‌ها نیز از ضریب آلفای کرانباخ استفاده شد که برای متغیرهای نگرش فرزند نسبت به پدر و مادر، بنیان‌های اخلاقی، تفکر انتقادی به ترتیب برابر است با: ۰،۹۱۶، ۰،۹۵۸، ۰،۷۸۲، ۰،۸۱۳. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نرم‌افزارهای SPSS 19 و Smart-PLS به کار برده شده بود.

یافته‌ها

در این پژوهش شرکت‌کنندگان از لحاظ شاخص‌های جمعیت‌شناختی همگون بودند. در جدول زیر یافته‌های توصیفی به دست آمده نمایش داده شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی نمره کل متغیر اصلی تحقیق به تفکیک گروه آزمایش و کنترل

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
بنیان‌های اخلاقی	۶۲/۵۲	۱۵/۱۷	۰/۱۹۱	-۰/۲۹۱
تفکر انتقادی	۷۲/۴۲	۱۹/۸۳	۰/۲۵۵	-۰/۳۸۸
نگرش فرزند نسبت به مادر	۳۱/۱۵	۵/۴۴	۰/۳۶۷	۰/۴۵۱
نگرش فرزند نسبت به پدر	۳۲/۱۱	۵/۳۷	-۰/۰۳۴	۰/۷۴۲

برای آزمون مدل اندازه‌گیری در این پژوهش از آلفای کرونباخ و پایایی مرکب جهت بررسی پایایی مدل اندازه‌گیری استفاده شده است و از آزمون روایی همگرا و روایی واگرا جهت بررسی آزمون روایی مدل اندازه‌گیری استفاده شده است. که نتایج آن به شرح زیر می‌باشد:

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل نهایی

متغیر	آلفای کرونباخ	پایایی مرکب	روایی همگرا	وضعیت متغیر
بنیان‌های اخلاقی	۰,۷۸۲	۰,۷۷	۰,۵۱۲	قابل قبول
تفکر انتقادی	۰,۸۱۳	۰,۸۸۹	۰,۵۶۹	قابل قبول
نگرش فرزند نسبت به مادر	۰,۹۵۸	۰,۹۶۵	۰,۷۴۸	قابل قبول
نگرش فرزند نسبت به پدر	۰,۹۱۶	۰,۹۳۷	۰,۷۴۸	قابل قبول

با توجه به اینکه مقدار R^2 متغیر بنیان‌های اخلاقی (۰,۰۸۳) و تفکر انتقادی (۰,۳۰۴) در حد تقریباً بالایی می‌باشد. تمامی شاخص‌های برازش به کار رفته نشان می‌دهد که این مدل دارای برازش خوبی است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که مدل تحقیق توانایی بالایی در اندازه‌گیری متغیرهای اصلی تحقیق دارد. با توجه به استاندارد بودن مدل، یافته‌های پژوهش قابلیت اعتماد را دارد. مقادیر ۰,۰۱، ۰,۲۵ و ۰,۳۵ به ترتیب حاکی از برازش کلی ضعیف، متوسط و قوی می‌باشد. مقدار GOF در مدل پژوهشی حاضر، به شرح زیر می‌باشد:

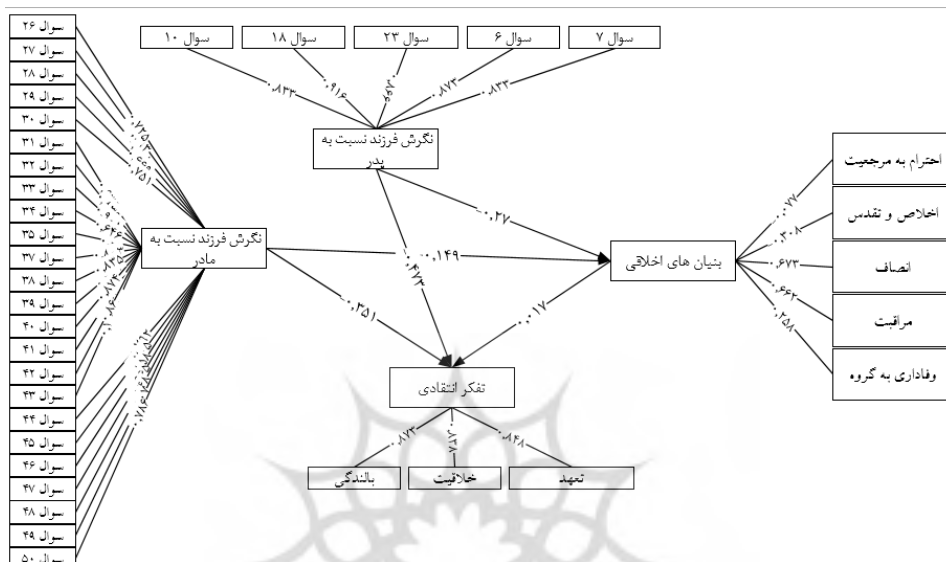
$$GOF = \sqrt{Communnality} * \bar{R}^2 = 0.349$$

با توجه به اینکه مقدار GOF برابر با ۰,۳۴۹ می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت سطح برازش کلی مدل در حد عالی و قابل قبول می‌باشد.

جدول ۳. اثرات مستقیم و غیرمستقیم و کل بین متغیرهای تحقیق

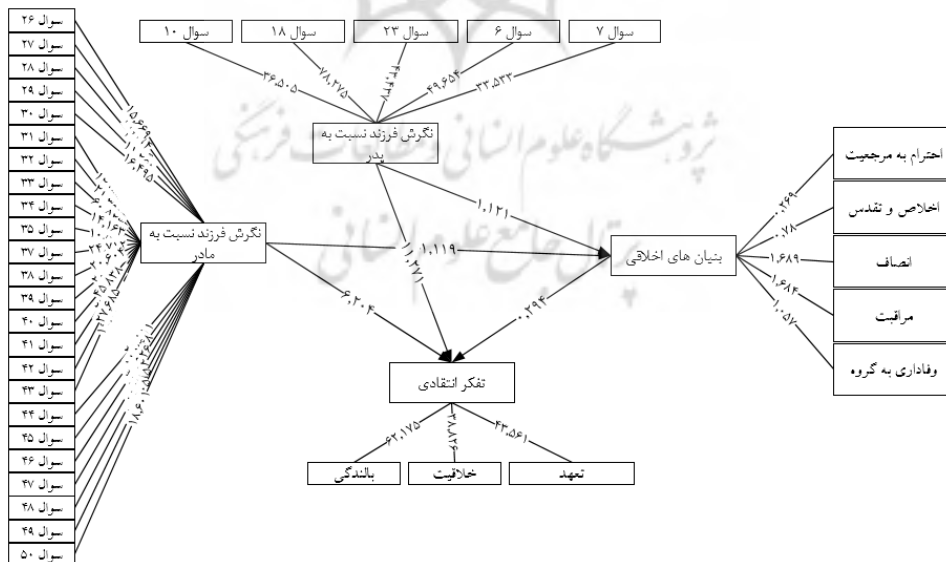
مستقل	میانجی	وابسته	تأثیر مستقیم	تأثیر غیر مستقیم	تأثیر کلی	سطح معناداری	نتیجه
نگرش فرزند نسبت به مادر	---	تفکر انتقادی	-۰,۳۵۱	---	-۰,۳۵۱	۶,۲۰۴	تایید رابطه
نگرش فرزند نسبت به پدر	---	تفکر انتقادی	-۰,۴۷۳	---	-۰,۴۷۳	۱۱,۲۷۱	تایید رابطه
نگرش فرزند نسبت به مادر	بنیان‌های اخلاقی	تفکر انتقادی	-۰,۳۵۱	-۰,۰۰۲	-۰,۳۵۲	۰,۲۱۴	رد رابطه
نگرش فرزند نسبت به پدر	بنیان‌های اخلاقی	تفکر انتقادی	-۰,۴۷۳	-۰,۰۰۵	-۰,۴۷۸	۰,۲۸۵	رد رابطه

بر اساس جدول فوق اثر مستقیم نگرش فرزند نسبت به مادر و پدر بر تفکر انتقادی تأیید اما اثر غیرمستقیم آن با میانجی‌گری بنیان‌های اخلاقی بر تفکر انتقادی رد شد ($p < 0/05$). در جدول زیر ضرایب مسیر مستقیم بین متغیرهای پژوهش نمایش داده شده است.



شکل ۱. مدل ساختاری نهایی تحقیق در حالت تخمین استاندارد

همچنین سطح معناداری روابط بین متغیرها بدین صورت می‌باشد:



شکل ۲. مدل ساختاری نهایی تحقیق در حالت معناداری

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر نگرش فرزند نسبت به پدر و مادر بر تفکر انتقادی با نقش میانجی‌گری بنیان‌های اخلاقی بود. براساس نتایج ۳۰,۴ درصد از تغییرات تفکر انتقادی متغیرهای نگرش فرزند نسبت به مادر و نگرش فرزند نسبت به پدر است. بررسی یافته‌های پژوهش نشان داد متغیر نگرش فرزند نسبت به مادر و نگرش فرزند نسبت به پدر به ترتیب به صورت مستقیم دارای شدت تأثیرگذاری بر تفکر انتقادی می‌باشد. متغیر نگرش فرزند نسبت به مادر و نگرش فرزند نسبت به پدر به ترتیب به صورت مستقیم دارای شدت تأثیرگذاری بر بنیان‌های اخلاقی نمی‌باشد. همچنین متغیر بنیان‌های اخلاقی بر تفکر انتقادی با شدت تأثیرگذاری مورد تایید قرار نگرفت. یافته‌های تحقیق نشان داد که متغیر نگرش فرزند نسبت به پدر و مادر با بنیان‌های اخلاقی به ترتیب با شدت تأثیرگذاری دارای معنا داری نمی‌باشند. اما نتایج تحقیقات گذشته نیز این رابطه را تایید کرده اند؛ براساس نظریه خود تعیین‌گری بسیاری از تعامل‌ها و فرایندهای ناشی از محیط خانواده، به باورها و ادراک‌های فرزندان که متأثر از باورها و رفتارهای والدین با آنها می‌باشد، بستگی دارد. نظریه خود تعیین‌گری حفظ و انگیزش درونی و تنظیم‌های رفتاری را مستلزم ارضای سه نیاز فطری خودمختاری، شایستگی و احساس تعلق (رابطه) می‌داند. طبیعتاً فعالیت فرزندان در جهت ارضای این سه نیاز است (دسی و ریان، ۲۰۰۸). بنابراین نتایج این بخش از سوال با یافته‌های پژوهش‌های خانزاده و همکاران (۱۳۹۹)، ریاحی و خیاطان (۱۳۹۷)، بتول، اشرف و خان (۲۰۱۹)، لو و همکاران (۲۰۲۰) همراستا نمی‌باشد. در تبیین نتیجه فوق می‌توان گفت که صرف توجه داشتن به روابط مثبت و با کیفیت با نوجوانان بدون در نظر گرفتن عقاید محدود کننده یا سهل‌گیرانه در زمینه بنیادهای اخلاقی، نمی‌تواند پیش بین خوبی باشد. به این خاطر که برخی والدین ضمن آموزش مسائل اخلاقی، به آنها آزادی عمل می‌دهند. همچنین می‌توان گفت که نوجوانان امروزی انتظار صمیمیت زیاد برای گفته‌های خصوصی خود با والدین را ندارند. به همین خاطر وجود مشکلات روابط والدین-نوجوانان، نوع نگرش فرزند نسبت به پدر و مادر با بنیان‌های اخلاقی در آنان تأثیری ندارد؛ و می‌تواند بیان‌گر این موضوع باشد که افراد جوان هویت خودشان را با والد خود تعریف نمی‌کنند.

یافته‌های تحقیق نشان داد که متغیر نگرش فرزند نسبت به پدر و مادر با تفکر انتقادی به ترتیب با شدت تأثیرگذاری ۰,۴۷۳- (۱۱,۲۷۱) و ۰,۳۵۱- (۶,۲۰۴) دارای تأثیرگذاری معنا داری می‌باشند. یافته‌های این بخش از تحقیق با نتایج تحقیقات بتول، اشرف و خان (۲۰۱۹)؛ فام، یاکوب، چهاری، آرشت و مختار (۲۰۱۷)؛ استالمن و اوهان (۲۰۱۶)؛ داوولویرا، موران و پدرسون (۲۰۰۵)؛ چیونس، روستن‌هال، داترس، نواک، کاسن و لینچ، (۲۰۰۵) همراستا می‌باشد. در تبیین نتیجه فوق می‌توان گفت که وقتی کیفیت روابط والدین (پدر و مادر) - فرزند افزایش پیدا می‌کند به نحوی که فرزندان بتوانند ارتباط خوبی با والدین خود برقرار کنند و روابط حاکی از پذیرش فرزند، پاسخ‌گو و متعهد بودن به نیازها و ارزش‌های فرزند، استفاده از لحنی مثبت و سرشار از عاطفه و عدم تحقیر، انتقاد صریح و سرزنش فرزند و تعاملی با کیفیت و سالم با فرزند به صورت متقابل باشد؛ فضا برای ارتباط و گفت و شنود مؤثر و به دور از احساسات منفی از قبل خشم و آزرده‌گی / ابهام نقش پدید می‌آید و از آنجا که مطابق با نظر کاکای (۲۰۰۱) از ویژگی‌های رفتارهای ارتباطاتی تسهیل‌کننده رشد گرایش به تفکر انتقادی، اهل بحث بودن در محیط خانواده و جرأت

مند بودن در برخورد با مراجع قدرت همچون والدین (در ارتباط با بعد جهت گیری هم‌نواپی الگوهای ارتباطات) است. اهل بحث بودن و جرأت مندی به فرد کمک می‌کنند تا عقاید شخصی خود را بیان کند و در مقابل اظهاراتی که از نظر منطقی ضعیف هستند، به بحث و گفتگو بپردازد. روشن است که اگر فرهنگی نشان دادن این ویژگی‌ها را در ارتباطات والد - فرزندی مطابق با ارزش‌های خود بداند، این ویژگی‌ها منجر به تسهیل رشد گرایش به تفکر انتقادی خواهند شد. علاوه بر این هوور - دمپسی و سندلر (۱۹۹۵)، نیز معتقد است امکان گفت و شنود مکرر و راحت و به دور از تحمیل عقاید در بین اعضای خانواده نوعی الگوی بحث و تبادل نظر صحیح را برای فرزندان فراهم می‌کند. و همین مسأله می‌تواند زمینه را برای خلاقیت که همان تمایل فرد برای شناسایی مشکلات با آگاهی از تمایلات و تعصبات خود و دیگران است و تعهد که همان تمایل فرد به خواسته‌های منطقی و میل به درک حقیقت است را فراهم کند. همانطور که اشرف و خان (۲۰۱۹) در پژوهشی که انجام دادند به این نتیجه دست یافتند که نگرش فرزندان نسبت به والدین بر رشد هویتی، تفکر و جهان بینی فرزند و اقدامات او مانند تشکیل خانواده در آینده تأثیر دارد.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که بین متغیرهای نگرش فرزند نسبت به پدر و مادر با میانجی‌گری بنیان‌های اخلاقی بر تفکر انتقادی جوانان در شرف ازدواج به ترتیب با میزان سطوح معناداری دارای رابطه نمی‌باشند. لذا متغیر بنیان‌های اخلاقی توانایی میانجی‌گری نگرش فرزند نسبت به پدر و مادر با تفکر انتقادی جوانان را دارا نمی‌باشد. از میان مطالعات انجام شده به ندرت مطالعه‌ای دیده شد که به بررسی میانجی‌گری بنیان‌های اخلاقی در ارتباط بین نگرش فرزند نسبت به پدر و مادر، با تفکر انتقادی جوانان پرداخته باشد. بنابراین امکان مقایسه تحقیق وجود نداشت. عدم تأیید نقش میانجی بنیان‌های اخلاقی در ارتباط بین نگرش فرزند نسبت به پدر و مادر با تفکر انتقادی جوانان بیان کننده وجود عوامل کنترل نشده تأثیر گذار دیگر بر روی تفکر انتقادی جوانان باشد. دلیل دیگر عدم تأیید نقش میانجی بنیان‌های اخلاقی می‌تواند شرایط خاصی مانند کرونا باشد که باعث شده بسیاری از فرایندهای تصمیم‌گیری افراد به خاطر شرایط اضطراب و استرسی که در آن قرار داشته‌اند، تغییر بکند. بنابراین در ارتباط بین نگرش فرزند نسبت به پدر و مادر، با تفکر انتقادی جوانان، بنیان‌های اخلاقی نقش میانجی ندارد.

با توجه به یافته‌های پژوهش اصلاح نگرش در روابط والدین با فرزندان از طریق آموزش روابط بین فردی به والدین در جهت کاهش نگرش منفی نسبت به والدین پیشنهاد کاربردی قابل طرح برای پژوهش حاضر است. می‌توان گفت والدین به عنوان منبع تغذیه عاطفی فرزند نقش اساسی در شکل‌گیری، تداوم و پیشگیری رفتارهای ناسازگارانه او بر عهده دارند و چنانچه والدین نتوانند محبت سازنده و پروانده‌ای را که رشد سالم نوجوان مستلزم آن است، به او ارزانی کنند، فرزند دچار محرومیت عاطفی و هیجانی شده و ممکن است منجر به عدم تحول اخلاقی و رفتارهای ضد اجتماعی نوجوان شود. با توجه به تغییر روابط والد - فرزند در دوره جوانی می‌توان به ارائه مطالب آموزشی در رسانه‌های اجتماعی از جمله تلویزیون ملی و در ساعات پر بیننده به مباحث خانواده و با حضور متخصصین این حوزه پرداخت تا از این طریق گامی مؤثر در جهت بهبود هر چه بهتر نگرش فرزندان نسبت به پدر و مادر برداشته شود. در نتیجه با بهبود نگرش فرزندان نسبت به پدر و مادر، فضای خانواده برای رشد گرایش به تفکر انتقادی که در جامعه امروزی نیاز همه افراد به خصوص جوانان است، آماده می‌شود. به زعم یافته‌های مهم این پژوهش، پژوهش حاضر فقط به بررسی نقش میانجی بنیان‌های اخلاقی در رابطه بین نگرش فرزند نسبت به پدر و مادر با تفکر

انتقادی در جوانان در شرف ازدواج را مورد بررسی قرار داده است. ممکن است عوامل میانجی دیگر با تفکر انتقادی در جوانان اثرگذار باشند. بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی تأثیر نقش میانجی متغیرهای دیگر مثل ویژگی‌های شخصیتی را مورد بررسی قرار دهند. همچنین به بررسی روش‌های پیمایشی، مصاحبه‌ای به صورت همزمان برای جمع‌آوری داده‌ها در جهت ارتقاء کیفیت نتایج بدست آمده و در یک بازه زمانی بلند مدت پرداخته شود.

موازن اخلاقی

تمامی موازن و اصول اخلاقی در این پژوهش رعایت شد.

سپاسگزاری

در انتها از تمامی شرکت‌کنندگان کمال تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان این پژوهش در طراحی، مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، گردآوری داده‌ها، تحلیل آماری داده‌ها، پیش‌نویس، ویراستاری و نهایی‌سازی نقش یکسانی داشتند.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

منابع

- خانزاده، عباسعلی، آهنگر قربانی، زهره، بهزاد فر، فاطمه، سید نوری، سیده زهرا، و طاهر، محبوبه. (۱۳۹۹). رابطه نگرش فرزند نسبت به والدین با میزان گرایش با جنس مخالف و سطح سازش‌یافتگی در دختران نوجوان. *روانشناسی مدرسه*، ۱۹(۱)، ۲۹-۷.
- ثنایی، باقر. (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.
- ثناگویی زاده، محمد. (۱۳۹۵). کشف ابعاد مشکلات بین والدین و نوجوانان پسر و تدوین بسته مشاوره خانواده با جهت‌گیری اسلامی و مقایسه تأثیر آن با خانواده‌درمانی کارکردی بر مشکلات، نگرش نوجوان پسر نسبت به والدین و کارکرد خانواده، طرح پژوهشی.
- ریاحی، مهشید، و خیاطان، فلور. (۱۳۹۷). رابطه بین نگرش به والدین، اعتماد در روابط بین فردی و نگرش به ارتباط قبل از ازدواج با رغبت به ازدواج در جوانان مجرد شهر اصفهان. *مطالعات زن و خانواده*، ۱۶(۱)، ۶۹-۹۲.

References

- AlperAy, F., Karakaya, A., & Yilmaz, K. (2015). Relations between selfleadership. and critical thinking skills. *Procedia- social and Behavioral sciences*, 207: 29- 41.

- Batool, H, Khan, A.M., & Ashraf, S. (2019). Analysis of Parental Attitude among Parents having children with Intellectual Disability, *Journal of Early Childhood Care and Education (JECCE)*, 2. DOI: <http://dx.doi.org/10.30971/jecce.v2i0.149>.
- Cheavens, J., Rosenthal, M., Daughters, S., Nowak, J., Kosson, D., & Lynch, T. (2005). An analogue investigation of the relationships among perceived parental criticism, negative affect, and borderline personality disorder features: The role of thought suppression. *Behaviour Research and Therapy*, 43: 257–268.
- Clifford, S., Iyengar, V., Cabeza, R., & Sinnott-Armstrong, W. (2015). Moral foundations vignettes: a standardized stimulus database of scenarios based on moral foundations theory. *Behav. Res. Methods* 47: 1178–1198.
- Cottrell, S. (2017). *Critical Thinking Skills: Effective Analysis, Argument and Reflection*, Macmillan Education UK.
- Deci, E. L. & Ryan, R. M. (2008). Self-determination theory: A macrotheory of human motivation, development, and health. *Canadian psychology/Psychologie canadienne*, 49(3): 182.
- DeOliveira, C. A., Moran, G., & Pederson, D. R. (2005). Understanding the link between maternal adult attachment classifications and thoughts and feelings about emotions. *Attachment & Human Development*;7(2):153–170.
- Fam, J. Y., Yaacob, S. N., Juhari, R., Arshat, Z., & Mukhtar, F. (2017). General attitudes towards marriage scale: Psychometric properties in Malaysian adolescents of divorced families. *Journal of Child and Family Studies*, 26(12): 3351-3359.
- Gludemans, H. A., Schalk, R. M. J. D., & Reynaert, W. (2013). The relationship between critical thinking skills and self-efficacy beliefs in mental health nurses. *Nurse Education Today*, 33(3): 275–280.
- Hadson, GL. (1982). Parent-Child interaction and anxiety disorders: an observational study. *Behav Res Ther*, 39(12):1411-27.
- Haidt, J. (2008). Morality. *Perspectives on psychological science*,3(1): 65-72.
- Hoover-Dempsey, K. V., & Sandler, H. (1995). Parental involvement in children's education: Why does it make a difference? *Teacher College Record*, 97, 310-331.
- Kakai, H. (2001). The effect of independent and interdependent self-construal on the development of critical thinking dispositions: A quantitative and qualitative study. Unpublished doctoral dissertation, University of Hawaii, Hawaii, United States. (AAT No.3017402).
- Khanzadeh, A. A., Ahangar Ghorbani, Z., Behzad Far, F., Seyed Nouri, S. Z., & Taher, M. (2020). The relationship between the child's attitude towards parents and the degree of opposite sex orientation and the level of compromise in adolescent girls. *School Psychology*, 9(1), 7-29. (Persian)
- Kim, KH, & Hwang, EH. (2016). Influence of Ego-Resilience, Critical Thinking Disposition, and Self Leadership on Career Decision-Making Self-Efficacy in Nursing Students, *Journal of the Korea Academia-Industrial cooperation Society*. 17(2):436.
- Koesten, J., Schrodt, P., & Ford, D.J. (2009). Cognitive flexibility as a mediator of family communication environments and young adults well-being. *Health Communication*, 24: 82 – 94 .
- Lapsley, D. (2019). Phronesis, virtues and the developmental science of character. *Human Development*, 62(3): 130–141.
- Lu, Y., Pettigrew, J., Shin, Y., Castillo, M. A., & Allsup, J. (2020). How does family communication relate to adolescent dating violence and externalizing behaviors? The role of parent-adolescent risk communication and attitudes toward violence in a Nicaraguan sample. *Health communication*, 1-10.

- Ozden-Yıldırım, M.S. & Ermis, E.N. (2017). Critical thinking Disposition and Dyadic Adjustment: The Moderator Role of Employment Status of Women. *New Trends and Issues Proceedings on Humanities and Social Sciences*. [Online]. 07, 23-32 .
- Paul, R. & Elder, L. (2019). *The miniature guide to critical thinking concepts and tools* (8th ed.). Lanham, Boulder, New York and London: Rowman & Littlefield.
- Paul, R.W. (2018). *Critical Thinking and the Critical Person*, 1st Edition, Routledge.
- Riahi, M., & Khayatan, F. (2018). The relationship between attitude towards parents, trust in interpersonal relationships and attitude towards premarital relationship with desire to marry in single youths of Isfahan city. *Women and Family Studies*, 6(1), 69-92. (Persian)
- Sanagoizadeh, M. (2016). Discovering the dimensions of problems between parents and adolescent boys and developing a family counseling package with Islamic orientation and comparing its effect with functional family therapy on problems, attitude of adolescent boys towards parents and family functioning, research project. (Persian)
- Sanai, B. (2008). *family and marriage measurement scales*. Tehran: Ba'ath Publications. (Persian)
- Simpson, A. (2017). Moral Foundations Theory: Background, Review, and Scaffolding for Future Research. *Encyclopedia of Personality and Individual Differences*, 1-19.
- Stallman, H. M. & Ohan, J. L. (2016). Parenting style, parental adjustment, and co-parental conflict: Differential predictors of child psychosocial adjustment following divorce. *Behaviour Change*, 33(2), 112-126.
- Stepanova, E. (2015). The Spiritual and Moral Foundations of Civilization in Every Nation for Thousands of Years': The Traditional Values Discourse in Russia. *Politics, Religion and Ideology* 16: 119-136.
- Tsai, M.C. & Chen, W.C. (2018). *Family, Work and Wellbeing in Asia* (Quality of Life in Asia, 9), Springer; Softcover reprint of the original 1st ed. 2017 edition (December 12, 2018).

The effect of child's attitude towards parents on critical thinking with the mediating role of moral foundations

Faranak. Najari¹, *Sadegh. Yousefi*^{2*} & Hooman. Namvar³

Abstract

Aim: The present research was conducted with the aim of investigating the effect of the child's attitude towards parents on critical thinking with the mediating role of moral foundations. **Method:** in the form of a predictive correlation design, 404 people (girls and boys) from young people about to get married were selected by available sampling method and using Klein's sample size formula (formula 1 to 20). The research tool included standard questionnaires of child's attitude towards father (CAF) and mother (CAM), critical thinking (CTDI), moral foundations (MFQ-30). SPSS19 and Smart-PLS software were used for data analysis. **Results:** The results showed that 30.4% of the changes in critical thinking are variables of the child's attitude towards the mother and the child's attitude towards the father ($P < 0.001$). Also, the results related to the mediating role of moral foundations showed that the child's attitude towards parents through moral foundations does not have an indirect effect on critical thinking, respectively -0.005 ($p = 0.285$) and -0.003 ($p = 0.214$) ($P > 0.05$). **Conclusion:** Based on the findings of the research, it can be concluded that the child's attitude towards parents has an effect on the critical thinking of young people. Therefore, paying attention to these mechanisms can be useful in formulating effective preventive and therapeutic interventions for teenagers about to get married.

Keywords: *Child's attitude towards parents, critical thinking, moral foundations.*

1. PhD student in general psychology, Saveh branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran
2. ***Corresponding author:** Associate Professor of Neuroscience Department of Neurology, School of Medicine Neuroscience Research Center Qom University of Medical Sciences, Qom, Iran
Email: syoosefee@muq.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Psychology, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran